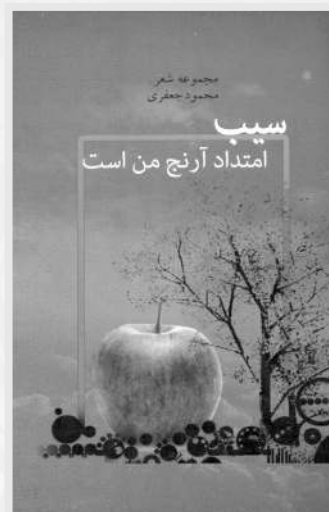


شاعر: محمود جعفری  
صفحه‌آرایی و طراح جلد: علی یعقوبی  
ناشر: انتشارات دانشگاه  
نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶  
تعداد صفحات: ۱۸۰  
قیمت: ۱۰۰ افغانی  
تیراژ: هزار نسخه



مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، تازه‌ترین مجموعه شعر محمود جعفری است که شامل پنجا شعر در قالب شعر سپید است که از سوی انتشارات نشر دانشگاه منتشر شده است. این کتاب چهارمین مجموعه شعر شاعر است. مجموعه «سبب امتداد آرنج من است» با وجود کاستی‌هایی احتمالی نشان از درک عمیق شاعر از فلسفه وجودی شعر نو دارد.

مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، از نظر محتوایی فضای پر از ملال و اندوه را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد، فضایی که شاعر را در خودش غرق کرده است و در نهایت این که شاعر در عوض کردن شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی‌اش ناتوان است و سرانجام این فضای مه‌آلود زندگی در زیستگاه طبیعی شاعر او را به شکایت وامی‌دارد. این شکایت آگاهانه روشنگرانه شکل شاعرانه به خود می‌گیرد و شعر می‌شود. شعرهای منظوری که براساس یک تم مرکزی حرکت می‌کنند یا به عبارت دیگر ساختار معنایی و توجه به مضمون، بیش از سایر نکات و قواعد شعری در آن‌ها دیده می‌شوند.

به دیگر سخن، جعفری را در مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، در قامت شاعری با روحیه نرم و لطیف می‌توان دید؛ اما از بعد دیگر او شاعری به سبک شاعران خراسان است که زبان تلخ و درشت دارد و این زبان را می‌توان در شعر نامه‌ای به رئیس جمهور دید. شعرهای جعفری در لایه‌های زبانی پیچیده سروده نشده‌اند؛ بلکه به خاطر طولانی بودن بیشتر شعرها، فرم‌پذیری در بیشتر آن‌ها شکل نگرفته است و شعر از نظر فرم زبانی به شعر گفتار نزدیک شده است. از این رو، پرش زبانی و جور در نیامدگی، از لحاظ کلیت زبانی شعر، یعنی جور در آمدگی زبان با محتوا (که البته منظور الزام یک دست‌بودگی زبان نیست)، در شعرهای ایشان دیده می‌شود. چنین است که شعرها از نظر نحوی و قالبی گاه تنه به تنه زبان آرکایک می‌زند.

باری، شعرهای مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، شامل تصاویر زبانی و ذهنی انبوهی نیستند؛ اما آن‌چه که در این شعرها برجسته می‌نماید، جهانی متنی است که ناگزیر به پوست‌اندازی شده است؛ زیرا این شعرها در بستری پیشرو شکل می‌گیرد و شعر را تعریف نمی‌کند؛ بلکه در شعر نفس می‌کشد، سعی در اجرای آن دارد و آن‌چه که باید بگوید در ساده‌ترین چینش کلمات می‌گوید. از این رو، از زاویه دید، شاعر ساختارگرای جزئی‌نگر است و برای ورود به درون شعر شاعر، لازم است متن را قطعه‌قطعه کنیم تا زوایای پنهان شعر را بفهمیم. در واقع شاعر فقط می‌گوید دنیا آلبوم از تصاویر آشفته است و با نگفتن علت این آشفته‌گی، دست خواننده فعال را در تأویل باز می‌گذارد. به دیگر سخن، شاعر در این شعرها، تلاش دارد هرآن‌چه همواره در حاشیه بوده است به متن وارد کند و در این راستا با استفاده از سیستم جانشینی و نشانه‌گذاری‌های ساختاری توانسته است خواننده را به رهیافتی تازه از زبان و مصداق‌های بیرونی نشانگان دلالت راهنمایی کند. موتیف‌هایی که حول مرکزی مشترک، تشکیل شعری ساختمان‌دهنده می‌دهند که قدرت زبان در آن به شکلی از بازی‌های زبانی و چندواژگانی پروز پیدا می‌کند.

دیگر این که جعفری در مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، به دنبال فلسفه‌بافی نیست و هر بار در لباس تازه، در فرم ذهنی نو، ظاهر نمی‌شود؛ بلکه امر پیچیده را ساده ارائه می‌دهد تا اندیشه نو شاعرانه راحت‌تر در ذهن مخاطب بنشیند. تنها کوتاهی که می‌توان در این مجموعه دید، لو دادن تم و موتیف مقید شعر در همان شعرهایی ابتدایی است. بهتر بود شاعر ابتدا با فضا سازی و تصویرسازی، مخاطب خود را درگیر متن و او را با خود وارد جهان متن می‌کرد تا از این طریق اثر تولید شده، خواننده را ترغیب به خوانش می‌کرد. به همین دلیل احساس می‌شود شاعر مخاطب را دست‌کم گرفته است و زود او را وارد متن کرده است تا با او بگوید جهانی که در آن زندگی می‌کند و نفس می‌کشد، در بحران اندیشه و تفکر و... درمانده است؛ اما نکته‌ای که شاعر باتوجه به اشاره‌های بالا به آن‌ها توجه می‌کرد، سطر سازی و تداوم زبانی - زمانی شعر است به گونه‌ای که متن در خوانش، راحت و روان باشد و در نهایت بازی‌های زبانی که به کمک شیئی گشتی می‌توان به آن‌ها رسید، شکل بگیرد؛ یعنی این‌که چگونه با به‌کارگیری تخیل، نشانه‌های داده شده در شعر استفاده کرد تا شعری چند تأویلی داشته باشیم.

به معنی دیگر، جعفری در مجموعه شعر سبب امتداد آرنج من است، مضمون‌پرداز است و در هر شعر، می‌توان به دو سه مضمون خوب برخورد که تکراری نیستند. مضامینی که نوعی تعادل و یک‌دستی در آن دیده می‌شوند و از پرش‌ها و ناهنجاری‌هایی که گاه‌به‌گاه در شعر شاعر رخ می‌دهند، کم‌تر دیده می‌شوند. شاعر در حوزه‌های مضامین سیاسی و اجتماعی در این مجموعه به نوعی تعادل می‌گراید. از این رو، در پرداختن به موضوعات اجتماعی عمیق‌تر می‌نگرد.

جعفری در این مجموعه توجه جدی به زبان دارد و در زبان هم‌رگه‌هایی از کهنگی و فرسودگی به چشم می‌خورد؛ ولی با آن هم استفاده از ویژگی‌های زبان محاوره در شعر جعفری خوب است و شعر را صمیمی کرده است. از این رو، شاعر در نرم‌های زبانی از نحوه تصویرسازی‌ها و فرم‌دهی به شدت فاصله می‌گیرد تا شاعر در دام تکرار نیفتد.

در بخش ساختاری، تافر حروف در بعضی شعرها دیده می‌شود. در این شعرها شاعر تلاش نکرده است تا با جابه‌جایی‌های مختصر در کلمات، شعرش را از نظر موسیقی درونی خوش‌آهنگ‌تر و خوش‌نوا تر کند. صنعت «تکرار» که به عنوان آرایه ادبی در شعر جعفری

دیده می‌شود، گاهی شکل حشو به خود می‌گیرد. از این رو، موسیقی شعرهای جعفری از نوعی موسیقی که بیشتر زیر پوستی است، نشان داده شده است؛ موسیقی که حاصل این‌همانی بین درون و بیرون شعر است. در واقع وضع کلمه در سطر با توجه به موسیقی نهفته در آن، مانند بازیگری است که می‌تواند بدون بیان کلمه‌ای حتی، حس درونی خودش را با توجه به حرکات و حالات بدن منتقل کند. افزون‌بر این، مشکلات هجابندی، عدم بیان شاعرانه برخی شعرها، دست‌نبردن در برخی از قواعد (مثل قاعده همنشینی کلمات یا قاعده کاربرد...) و توضیحات اضافی در شعر، باعث شده‌اند شعر بیانی نسبتاً مستقیم داشته باشد.

در حوزه آرایه‌های ادبی، صورخیال در شعرهای شاعر کم‌رنگ است. از این رو، ما در این مجموعه با تصویرهای بدیع کم‌تر برخورد می‌کنیم. هرچند که شعر حسیت خوبی دارد و به خوبی آن فضای ملال‌انگیزی را که راوی با آن درگیر بوده است به‌اکران گذاشته است؛ اما بهتر بود شاعر با در نظر گرفتن برخی اصول اجرایی شعر، به چندتاویلی شدن شعرش کمک می‌کرد. به هر حال، در شعرها مخاطب با شعری ساختارمند روبه‌رو است؛ اما در برخی سطرها لحن و اجرا دچار مشکل شده‌اند که قدرت بیان و مضامین شاعرانه این کمبود را جبران کرده‌اند.

از ویژگی‌های دیگر این مجموعه شعر تقطیع مناسب و درون‌گرا بودنش است و مخاطب را مجاب می‌کند که چندین بار اثر را بخواند و با هر بار خوانش آن ارتباط بهتری با شعر برقرار کند.

در پایان، شعرهای جعفری در مجموعه شعر سیب امتداد آرنج من است، تصویری کوتاه از بازسازی یک پارادوکس است؛ پارادوکسی که با نشانه‌های مختلف و تصاویری عینی در طول شعر نشان داده شده است. پارادوکس زندگی اجتماعی شاعر و شاعرانه‌زیستن که او را دچار زیستی دوگانه کرده است. تصاویر عینی پارادوکسیکالی که علاوه بر این که مخاطب را وارد نوعی سینمای متنی می‌کند، نوعی فضای تجربی و زیستی را هم در ذهن تداعی می‌کند، سکانشی از یک اتفاق ساده که در عین پیچیدگی‌اش زندگی را فریاد می‌زند که من هستم و زندگی می‌کنم با تمام این پارادوکس‌هایی که مرا دوره کرده‌اند.

نام کتاب: نی‌رنج

شاعر: مزگان فرامنش

ویراستار: نهماسبی خراسانی

ناشر: انتشارات برگ

برگ‌آرا: ژکفر حسینی

سال نشر: ۱۳۹۶

شماره‌گان: هزار نسخه

نی‌رنج سومین مجموعه شعری مزگان فرامنش است که در تابستان ۱۳۹۶ در بلخ به همت انتشارات برگ به چاپ رسیده است. از مزگان فرامنش پیش از این مجموعه «اندیشه‌های دردآلود» در پاییز ۱۳۹۰ از سوی انتشارات فدایی هروی به چاپ رسیده بود و همین‌طور «گره‌کور» مجموعه دیگری از شاعر است که آن هم در هرات منتشر شده است. مجموعه شعر نی‌رنج شامل قالب‌های غزل، رباعی، چهارپاره و مثنوی است که در ۱۴۲ صفحه به چاپ رسیده است.

مزگان فرامنش، زاده ۱۳۶۹ خورشیدی در هرات و دانش‌آموخته دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه هرات است. فرامنش از ۱۳۸۸ خورشیدی بدین‌سو به صورت جدی شعر می‌گوید. انسان بودن و انسانی‌زیستن، عشق، دغدغه‌های زنانه و ناپسامانی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه با نگاه زنانه از ویژگی‌های محتوایی شعر فرامنش است. شعرهای این مجموعه نسبت به دیگر مجموعه شعرهای شاعر شسته‌رفته‌تر و با کاستی‌های کم‌تری دیده می‌شود. از این رو، با مخاطب راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کند؛ اما او برای فرار از سیاهی لشکر شعر، تلاش می‌کند تا دنیای ویژه خودش را در این مجموعه بیافریند و طبیعی است که در این روند، شعرها با کاستی‌هایی نیز همراه باشد.

شعرهای مجموعه شعری نی‌رنج جوشش شاعرانه‌ای است که با صداقت و احساس صمیمیت عجین شده‌اند؛ صمیمیتی که با غمی گنگ گره خورده است و در تن شعر شاعر جریان یافته است. گویا شاعر خواسته است خودش را بسراید و به نماندگی‌ها و بغض‌هایش را بنمایاند و به خاطر همین محتواوروری است که گاهی در شعرهای شاعر واژه جان ندارد، حس و روح کلمه کم‌تپشند. از این رو، شاعر با انبوهی از مفاهیم زیبا روبه‌رو است؛ ولی در تصویرکشیدن آن به کمبود واژه‌های امروزی روبه‌رو است. با این‌که تلاش دارد این نقیصه را با تصویرسازی پر کند که زیبا نمی‌نماید.

زبان مجموعه شعری نی‌رنج روشن و گاهی کمی کم‌جان است؛ ولی با آن هم شاعر به خوبی توانسته است با این زبان حس زنانگی‌اش را بیان کند. زبانی که اگرچند متنوع نیست و گاهی در بیشتر شعرها یگانه می‌نماید؛ اما شسته و رفته است و ترجمان ساده‌ای برای دردهای اجتماعی زنی است که در کوران نبود آدمیت زیسته است و آدمی زیستن را تجربه کرده است. از این رو، تلاش شاعر در این زبان



در پی هویت‌یابی زنانه در شعر است که با فرد محوری شاعر در این شعرها نشان داده شده است. اگرچند مجموعه شعری نی‌رنج، شعر زبان‌گرا نیست. از این رو، شاعر برجسته‌سازی زبان و بازی‌های زبانی را نادیده گرفته است. چنین است که شاعر گاهی مفاهیم ذهنی‌اش را بدون چکش‌کاری شعر می‌سازد. به همین سبب، خواننده نیز در کشف آن مفاهیم، کم‌ترین کوششی نشان نمی‌دهد و همین مسأله از تأثیرگذاری شعر بر ذهن خواننده می‌کاهد. بی‌شک در شعر معاصر، زبان اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، شاعر باید اول به برجسته‌سازی زبان ایمان بیاورد و بعد با شناسایی شگردهای آن، فضایی برای بهره‌گیری درست آن‌ها در شعر فراهم کند تا بر لذت خواننده از شعر بیفزاید. بنابراین، زبان مورد استفاده در شعرهای این مجموعه با توجه به ظرافت زبان بومی که دارد، با کارهای نظیر و هم‌سطح، با ساختار غیرخطی (بیشتر حلقه‌ای)، بر بستری از مضمون‌های تازه و درون‌مایه‌های معنازا و تأویل‌پذیر تکیه دارد که شعرهای شاعر را متمایز نشان می‌دهند. این نقطه قوت شعر شاعر کاستی‌های زبانی این مجموعه را تا حدی جبران می‌کند.

در ارزیابی بافت شعرها می‌توان گفت که با استحکامی از پیوند واژگان، در همگرایی شایسته‌ای از دو محور اصلی نگهدارنده قالب، درون‌تابی و برون‌آرایی با صناعات به‌جا می‌توان شاعر را در قالب آرای موفقی دید. مؤگان فرامنش غزل‌سرا است و می‌توان ایشان را به نوعی غزل‌سرای نئوکلاسیک دانست. اگر چند در غزل، ایشان با دست‌های باز و گشوده غزل نمی‌سراید، در همان حال و هوای کهن می‌ماند و تلاش نمی‌کند که حس جدی امروز غزل را در غزل‌هایش بازنماید تا به تجربه‌های تازه‌تر راه یابد. به طور نمونه روایت‌گری که یکی از مولفه‌های پرکاربرد غزل امروز است، چندان در شعر ایشان دیده نمی‌شود. او در وزن، زبان و زاویه دید، بر همان عهد کهن است که گاهی تصنعی به نظر می‌رسد.

در حوزه اندیشه شاعرانه، فرامنش تلاش دارد تا دید فراتر از خود و درونش داشته باشد. نظر او به جهان، انسان، پدیده‌های هستی، مرگ، عشق و... فراگیر و امروزی‌اند. شعرهای عاشقانه شاعر فقط شعر عاشقانه محض نیستند؛ بلکه بار عاطفی که بر دوش شعر است، جهانی است و از دغدغه‌های شخصی عبور داده شده است و به جهان فراتر از عشق محض پیوسته است. چنین است که عاشقانه‌های شاعر پیش از آن‌که عاشقانه‌های شخصی باشد، اجتماعی‌اند. اگرچند فرامنش در بسیاری از شعرهایش شاعر تغزل است و صدای عشق را بلندتر از دیگر صداها می‌توان در این مجموعه شنید. از این رو است که شاعر در نگاه صمیمانه به عشق و فرایند انتقال عاطفه به خواننده، موفق می‌نماید. عواطف قوی، تکرارهای مؤثر در القای احساس و زبان نرم و لطیف به این انتقال کمک کرده‌اند. اگرچند شاعر از میان چشم‌اندازهای گوناگون عشق، بیشتر به فاصله می‌اندیشد.

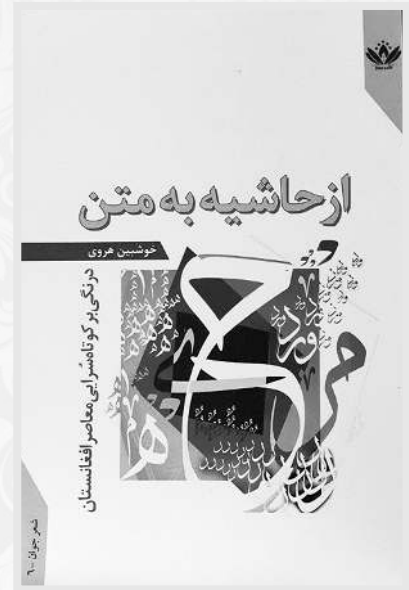
فرامنش در شعرهایش برخورد صادقانه با کلمات دارد و تلاش دارد تا تن به خودسانسوری ندهد و از قیدوبندهای عرف و آیین‌های دست‌وپاگیر اجتماعی در شعر پا فراتر بگذارد و زنی به عنوان انسان در شعرهایش باشد که خود جسارتی بزرگ است. شاعری که زنانگی بر بستر واژگانی و محتوایی شعرهایش جاری است و اندوه حل‌شده در جان شعرهایش، فراتر از جان شاعر است. شاید همین انسان‌گرایی شاعر سبب شده است که موتیف زن به عنوان انسان عاشق در شعر او حضور گسترده‌ای داشته باشد. چنین است که انسان در بسیاری از شعرهای این مجموعه نفس می‌کشد؛ به گونه‌ای که می‌توان این باور را جزء جدایی‌ناپذیر ذهنیت شاعر به شمار آورد. به بیان دیگر، فرامنش دغدغه بیان هویت زنانه‌ای خود را دارد و تلاش می‌کند در بعضی از شعرها با واژه‌ها و تصاویر آن را نشان دهد. هرچند در تعدادی از شعرها تفاوتی بین نگاه او و نگاه یک شاعر مرد نمی‌توان دید.

در طرف دیگر فرامنش در میان عناصر گوناگون شعر، بیش از همه به ایماژ و تصویر علاقه دارد. شعرهای او بیش از حد ایماژگونه و تصویری است. او سعی دارد در هر شعر با تصاویر گوناگون و درهم پیچیده، خواننده را با فضاهای تازه روپرو سازد که در این کار موفق است.

باری، با همه کاستی‌های احتمالی نی‌رنج، این‌که شاعر توانسته است از شبیه‌نویسی‌های رایج کمی برکنار بماند، دست‌آورد شاعرانه بزرگی است. با این‌که فرامنش تلاش داشته است برای ساختن دنیای ویژه‌اش که او را از انبوه‌نویسی و بازنویسی شعر رایج محفوظ دارد، ستایش‌گرانه است. بلندای گام این چینی شاعر نشان می‌دهد که جامعه ادبی ما به زودی نگارنده گام‌های شایسته‌تر و فراتر ایشان در سُرایش خواهند بود.

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۱



نام کتاب: از حاشیه به متن  
 نویسنده: خوشبین هروی  
 ویراستار: احمد بهراد  
 طرح جلد: فردوس سیامک  
 برگ آرای: حسن علی ابراهیمی  
 ناشر: خانه شعر جوان به همکاری موسسه فرهنگی و پژوهشی آرتوکوانا  
 چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶  
 شماره گان: ۱۰۰۰ جلد  
 بهاء: ۱۵۰ افغانی  
 شماره نشر: ۶

کتاب «از حاشیه به متن» درنگ است بر کوتاه‌سرایی معاصر فارسی دری در افغانستان که در ۲۰۶ برگ در دو بخش توسط نشر جوان به همکاری موسسه فرهنگی و پژوهشی آرتوکوانا به چاپ رسیده است. کتاب از حاشیه به متن در دو بخش گرد آمده است، بخش نخست آن بر می‌گردد به پژوهش، تحلیل و تکوین پیرامون کوتاه‌سرایی و بخش دوم آن اختصاص یافته است به نمونه‌هایی از کوتاه‌سرایی معاصر در افغانستان که به کوتاه‌سرایان اختصاص یافته است. در بخش افغانستان، بخش نخست کتاب بر می‌گردد به تحلیل، ارزیابی و نتیجه‌گیری، پیرامون کوتاه‌سرایی در افغانستان و بخش دوم آن اختصاص یافته است به گزیده‌ای از گونه‌های مختلف شعری کوتاه یا کوتاه‌سرایی و پیشکسوت‌های آن در افغانستان که بدون زندگی‌نامه شاعران آورده شده است. نویسنده در کتاب از حاشیه به متن کوشش کرده است تا کوتاه‌سرایی را به گونه‌های مختلف آن بررسی کند و حوزه‌های آن را مشخص نماید، تا تمایز بین گونه‌های شعر کوتاه مشخص و روشن باشد. به شکل مفصل‌تر نویسنده در فصل نخست کتاب از حاشیه به متن، به معرفی «خسروانی و لاسکوی و دیگر قالب‌های کهن» فارسی دری پرداخته است و پیشینه شعر کوتاه فارسی را نخست، در اندک شعرهای به‌جا مانده از شعر پیش از اسلام و سپس در ترانه‌های مردم مناطق مختلف فارسی‌زبانان بررسی کرده است. در بخش دیگری از کتاب، نویسنده به «قالب‌های سنتی در شعر کوتاه معاصر» و تلاش شاعران معاصر از نیما تا امروز در احیای قالب‌های رباعی و دوبیتی پرداخته است. خوشبین هروی «شعر کوتاه و شاعران نیمایی» و سیر شعر کوتاه را در دوران معاصر با شعرهای کوتاه نیما آغاز کرده است و از شاعران پیشگامی چون یدالله رؤیایی، م. آزاد، محمد زهری، منصور اوجی و بیژن جلالی در کوتاه‌سرایی یاد کرده است. همین‌طور نویسنده از «جریان‌های شعر کوتاه» و کوتاه‌سرایی بحث کرده است. در ادامه کتاب، خوشبین هروی از «هایکو» شاملو و پاشایی و رویکرد مهدی اخوان ثالث را به «نوخسروانی»‌ها به بررسی گرفته است و همین‌طور جریان‌های شعر کوتاه معاصر در ایران و افغانستان، صدای پای ژانر شعر کوتاه، «هایکوواره‌ها»، «ترانک»، «شعر لحظه» و «شعرهای بسیار کوتاه» و سه‌گانی را بحث کرده است و این جریان‌های شعری کوتاه را در ایران و افغانستان بررسی کرده است. در بخش پایانی، نویسنده، نام «شاعران کوتاه‌سرا» را همراه با «گزینۀ شعرهای کوتاه» آنان آورده است. کتاب «از حاشیه به متن» در شناخت کوتاه‌سرایی، جریان تاریخی کوتاه‌سرایی، تفاوت‌های شعر کوتاه با هم دیگر، دیگر بودن شعر کوتاه با هایکو و مانند آن، نمایه‌ای از شاعران کوتاه‌سرا و نمونه‌هایی از بهترین شعرهای کوتاه افغانستان، کتاب ارزش‌مند است که در افغانستان کم‌پیشینه است و می‌تواند راهنمای خوبی برای پژوهشگران ادبی باشد.



نام کتاب: تاریخ تحولات سیاسی افغانستان معاصر

نویسنده: عوض علی سعادت

ناشر: انتشارات بنیاد اندیشه

ویراستار: حسین حیدریگی

صفحه آرابی و طرح جلد: هادی مروج

نوبت چاپ: اول، خزان ۱۳۹۶، کابل

شماره گان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰ افغانی

کتاب «تاریخ تحولات سیاسی افغانستان معاصر» که توسط انتشارات بنیاد اندیشه به چاپ رسیده است، به زندگی نامه حاکمان، شیوه رسیدن به قدرت، چگونگی حکومت، چگونگی از دست دادن منابع مالی حکومت و به مجموعه تغییر و تحولاتی که در دوره و قلمرو هر کدام این حاکمان رخ داده اند، پرداخته است.

نویسنده در این کتاب، تاریخ سرزمین افغانستان امروزی را به دو بخش تقسیم کرده است: الف. دوره پیشاتاریخ؛ ب. دوره پساتاریخ.

دوره های تاریخی این سرزمین به صورت کلی به سه دوره تقسیم شده اند که عبارتند از: ۱. دوره باستان؛ ۲. دوره میانه؛ ۳. دوره معاصر.

کتاب «تاریخ تحولات سیاسی افغانستان معاصر» در چهار بخش و دوازده فصل ترتیب و تنظیم شده است. در بخش اول، نگاهی به تاریخ باستان و میانه افغانستان شده است. در بخش دوم، حکومت سدوزایی \_ ابدالی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش سوم، حکومت خاندان محمدزایی \_ ابدالی مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش چهارم، حکومت های غیرخاندانی بررسی شده است. در بخش معاصر، کتاب به تاریخ تحلیلی افغانستان از زمان کشته شدن نادرخان و به قدرت رسیدن ظاهرشاه، دوران جمهوریت داوود خان، کودتای هفت ثور، حکومت چپ‌گرایان افغانستانی - رژیم کمونیستی، اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، جهاد و جنگ های داخلی، مورد بررسی قرار گرفته است.

سعادت در مورد این که تاریخ معاصر از چه زمانی شروع شده است، می نویسد که آغاز پادشاهی احمدشاه بابا را تا حدودی مورخان آغاز تاریخ معاصر افغانستان در نظر گرفته اند؛ زیرا برای یک مدت کوتاه افغانستان به صورت تجزیه شده میان امپراتوری های بزرگ مغول در هند، ازبک های شیبانی آسیای میانه و ایران صفوی اداره می شد و احمدشاه با مرکزیت قندهار اولین حکومت افغانستانی را پایه گذاری کرد. وجه دیگر این است که معاصر و هم‌زمان به معنای تأثیرگذاری حوادث گذشته بر حال در نظر گرفته شود. با این نگاه، می توان گفت که مجموعه وضعیتی موجودی که افغانستان هم اکنون در آن قرار دارد، ریشه های تاریخی آن به دوره احمدشاه برمی گردد. به بیان دیگر نظام سیاسی و اجتماعی را که احمدشاه پایه گذاری کرد تا امروز کم و بیش جریان دارد.

نویسنده در بخش شکل‌گیری افغانستان به این موضوع اشاره دارد که در سال ۱۷۴۷ میلادی (۱۱۲۶) خورشیدی مقارن با اوج اختلافات و منازعات میان دو قدرت اروپایی - انگلیس و فرانسه - به عنوان یک واحد سیاسی مستقل در مرکز آسیا به ظهور رسید. در آن زمان کشورهای استعمارگر اروپایی و به خصوص انگلیس در شبه قاره هند نفوذ کرده بودند. چنانچه، کمپانی هند شرقی در سال ۱۶۰۰ میلادی در ساحل غربی هند - در زمان سلطنت جهانگیر بر هندوستان - تأسیس شده بود.

افغانستان تا دوران سلطنت زمان شاه، نوه احمدشاه درانی، مانع پیشروی انگلیس ها در هند به شمار می رفت. به همین دلیل انگلیس ها از داخل و خارج، حکومت زمان شاه را تحت فشار قرار دادند و با استفاده از رقابت های شاهزادگان درانی، آتش جنگ داخلی را بر افروختند و توانستند تا سال ۱۸۱۸ میلادی افغانستان را به یک کشور بسیار ضعیف و به نسبت کوچک تبدیل کردند و سیستم اداری ملوک الطوائفی را در آن تقویت کردند تا دولت مرکزی را ناتوان سازند.

کتاب «تاریخ تحولات سیاسی افغانستان معاصر» ضمن برشماری مسائل تاریخی به رویدادهایی که در حوزه جامعه و سیاست در تاریخ معاصر افغانستان اتفاق افتاده اند، نیز اشاره کرده است که «مسئله نوسازی» در محور تمام این تغییر و تحولات قرار دارد. به بیان دیگر هدف نامرئی این نوشتار، آشکار ساختن شکست های پی در پی جریان نوسازی در افغانستان معاصر است و تلاش شده است تا با بررسی مجموعه تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر سرانجام به این پرسش بسیار مهم و تاریخی بشود پاسخ تاریخی داد که چرا فرایند نوسازی در افغانستان همواره شکست خورده است؟ چه زمینه های تاریخی باعث شده اند که امروزه افغانستان به یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین کشورهای منطقه و جهان تبدیل شده است؟

نام کتاب: چپ‌گرایی در افغانستان (کارنامهٔ پیروان مارکسیسم - لنینسم)

نویسنده: امان‌الله شفایی

ناشر: انتشارات بنیاد اندیشه

ویراستار: حسین حیدر بیگی

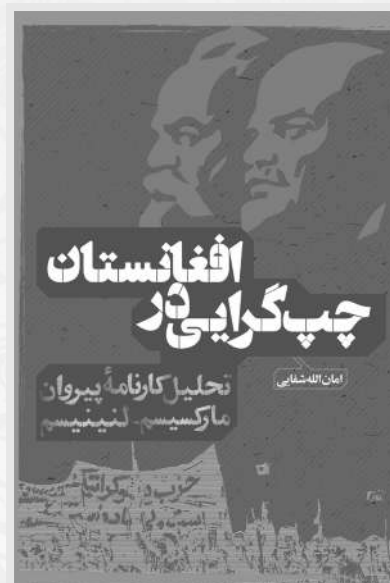
صفحه‌آرایی و طرح جلد: هادی مروج

چاپ و صحافی: کاج

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶، کابل

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰ افغانی



کتاب «چپ‌گرایی در افغانستان: تحلیل کارنامهٔ پیروان مارکسیسم - لنینسم» با پژوهش امان‌الله شفایی توسط بنیاد اندیشه چاپ شده است. نویسنده در این کتاب کارنامهٔ جریان‌های چپ‌گرا به ویژه حزب دموکراتیک خلق را از نزدیک و در چارچوب مارکسیسم-لنینسم مورد تحلیل، ارزیابی و نقد قرار داده است.

امان‌الله شفایی در کتاب چپ‌گرایی در افغانستان (کارنامهٔ پیروان مارکسیسم - لنینسم) آورده است که برای اولین بار اندیشه‌های مارکسیستی در افغانستان، در دههٔ چهل علنی شده است و اولین حلقه‌های اندیشه‌های مارکسیستی در این کشور توسط نورمحمد تره‌کی، ببرک کارمل و میر غلام‌محمد غبار به وجود آمده‌اند. همین‌طور نویسنده، جریان چپ‌گرایی و نفوذ اندیشه‌های چپ و چپ‌مارکسیستی در افغانستان را به دوران زمامداری امان‌الله خان و جنبش مشروطه دوم می‌رساند که با تشکیل گروه جوانان افغان شکل می‌گیرد و افرادی چون عبدالرحمان لودین، غلام‌محمی‌الدین ارتی و میر غلام‌محمد غبار، که همگی از طرفداران سرسخت امان‌الله خان بودند، از اعضای اصلی این گروه برمی‌شمارد.

نویسنده در این اثر بر این باور است که جنبش مشروطیت، حزب وطن، حزب جوانان بیدار، از جمله احزابی بوده‌اند که دارای اندیشه‌های چپی بوده‌اند. به این معنی که میر غلام‌محمد غبار و دکتر عبدالرحمان محمودی، دو تن از روشنفکران چپی بودند که در ابتدا همکار و عضو حزب جوانان بیدار بودند.

نویسنده به این نظر است که اولین تشکیلات روشنفکری که به افکار چپ مارکسیستی گرایش داشتند و در هسته‌های مطالعاتی مخفی گرد هم می‌آمدند، در دههٔ چهل خورشیدی شکل گرفته است؛ یعنی در آن هنگام کار اصلی روشنفکران این حلقه‌های مطالعاتی، عبارت بود از تبادل کتاب، آموخته‌ها و اطلاعات که به دور میر غلام‌محمد غبار، نورمحمد تره‌کی و ببرک کارمل گرد می‌آمدند. مدتی بعد همین حلقه‌ها منجر به تشکیل حزب دموکراتیک خلق شد و کنگرهٔ این حزب به صورت مخفی در یازدهٔ جدی (دی) ۱۳۴۳ خورشیدی در منزل نورمحمد تره‌کی برگزار شد.

حزب دموکراتیک خلق هر چند که در سال‌های اولیه، مانند سایر احزاب کمونیست جهان، به طور علنی از اندیشه‌های مارکسیستی سخن نمی‌گفت؛ ولی این را هم پنهان نمی‌کرد که هدفش ایجاد یک جامعهٔ سوسیالیستی است. نویسنده در ادامهٔ کتاب می‌نویسد حزب دموکراتیک خلق از همان ابتدای تشکیل، حزبی متحد و یک‌دست نبود و خیلی زود میان اعضای این حزب اختلافات اساسی بروز کرد و سرانجام به دو جناح «خلق و پرچم» انشعب کرد. رهبری جناح خلق را نورمحمد تره‌کی و رهبری جناح پرچم را ببرک کارمل بر عهده داشت. زمانی که حزب دموکراتیک خلق قدرت را به دست گرفت، این اختلافات به اوج خود رسید که منجر به تصفیهٔ خونین درون حزبی شد.

همین‌طور نویسنده از احزابی با اندیشه‌های چپ غیرمارکسیستی طاهر بدخشی یاد می‌کند که یکی از بنیان‌گذاران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق بود که به خاطر تضادهای قومی با نورمحمد تره‌کی و حفیظ‌الله امین و اختلافات میان آن‌ها سرانجام طاهر بدخشی از حزب دموکراتیک خلق خارج شد و سازمان انقلابی زحمت‌کشان افغانستان (سازا) را تأسیس کرد.

بعدها اختلافات در این سازمان بالا گرفت و این جریان هم دچار انشعبا شد و «سازمان زحمت‌کشان افغانستان» به رهبری طاهر بدخشی و «سازمان فدایی زحمت‌کشان افغانستان» به رهبری باعث بدخشی به وجود آمد.

نویسنده پس از حزب دموکراتیک خلق، بزرگ‌ترین جریان چپ‌گرای دیگر افغانستان را «جمعیت دموکراتیک نوین» معروف به «شعله جاوید» می‌داند. این گروه مائویستی پیرو اندیشه‌های مائوتسه تونگ، بنیان‌گذار حزب کمونیست چین بود که ایدئولوژی انقلاب چین را سرلوحهٔ برنامه‌های خود قرار داده بود که اعضای خانوادهٔ عبدالرحمان محمودی، اکرم یاری، مجید کلکانی، عثمان لندی و عبدالله مزاری، از عمده‌ترین رهبران آن بودند.

در ادامهٔ اثر نویسنده از فعالیت‌های سیاسی و کارکردهای عملیاتی جریان چپ در افغانستان بحث کرده است و سرنوشت سیاسی این جریان‌ها را از ظهور تا افول بررسی کرده است. در ادامهٔ آن علت شکل‌گیری و سقوط این جریان‌ها را نیز برشمرده است.

در بخش نظری نویسنده اشاره دارد که نزدیک به یک قرن از ظهور و حضور چپ‌گرایی در افغانستان می‌گذرد و این جریان، تاریخ پرفراز و نشیبی دارد. چپ‌گرایان در افغانستان زمانی که معارض حکومت بودند، سروشکل نظام یافته‌ای نداشتند؛ اما پسین‌ها نخستین جریان‌های سازمان‌یافته را ایجاد کردند. چپ‌گرایان افغانستانی دارای اندیشه‌ها و ایدئولوژی مدون، اما به ظاهر بیگانه و ناشناخته‌ای بودند که بیشتر با استراتژی انقلابی به دنبال تحقق مارکسیسم-لنینسم؛ مارکسیسم-لنینسم-مائوئیسم و یا مارکسیسم-اسلامیسم در افغانستان بودند.

امان‌الله شفايي در ادامه می‌نویسد که هر چند نویسنده کوشیده است مباحث را عالمانه ارائه کند؛ اما از آن جایی که جریان‌شناسی چپ‌گرایی علاقه‌مندان بسیاری خارج از فضای‌های علمی و اکادمیک دارد، تلاش مضاعف به خرج داده شده است تا مسائل و موضوعات طبقه‌بندی و دسته‌بندی شده و با سبک و سیاق ساده و روان به رشته تحریر درآید تا بتواند در جامعه کتاب‌خوان افغانستان و خارج از آن، مخاطبان حداکثر خود را پیدا کند. از سوی دیگر، خوانندگان به هنگام ورق‌زدن اوراق کتاب با عناوین و تیترهای به‌نسبت کمی برخورد خواهند خورد. این رویه به آن دلیل است که نویسنده کوشیده است نگاه تحلیلی نوشتار را با رشته افکار و سیر خوانش خواننده به نسبت به یک موضوع گره زده و او را در پیچ و خم عناوین و تیترهای فرعی قرار ندهد.

کتاب «چپ‌گرایی در افغانستان» در یازده فصل تدوین شده است. در فصل اول، نویسنده مارکسیسم-لنینسم را در حد چهارچوب نظری آورده است. در فصل دوم، زمینه‌ها، روند تکوین و گونه‌های چپ‌گرایی در افغانستان بررسی شده است. در فصل سوم، کلیدی‌ترین باورها و شعارهای چپ‌گرایان در افغانستان در مقارنه و مقایسه با چهارچوب مارکسیسم-لنینسم مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم، روش‌ها و خط‌مشی‌های برجسته چپ‌گرایان افغانستان از جافتادن تا برافتادن مورد بررسی قرار داده است. در فصل پنجم، به استراتژی‌های چپ‌گرایان در افغانستان پرداخته شده است. در فصل ششم، بر مهم‌ترین تاکتیک‌هایی که از جانب چپ‌گرایان افغانستانی بدان‌ها توجه شده است، انگشت گذاشته است. در فصل هفتم، بحث و بررسی موضوعات سازمانی و ساختاری در حوزه‌های حزبی و دولتی چپ‌گرایان در افغانستان است. در فصل هشتم، شکل‌دهی نیروها و ابزارهای پویا قدرت چپ‌گرایان در افغانستان را دنبال کرده است. در فصل نهم، روابط و سیاست خارجی چپ‌گرایان در افغانستان را به‌ویژه در دوران حکومت حزب دموکراتیک خلق در چارچوب اصول یادشده مورد بررسی قرار داده است. در فصل دهم، به طور مشخص بر چهار چالش اصلی چپ‌گرایی در افغانستان چه قبل از کسب قدرت و چه پس از آن پرداخته شده است. در فصل یازدهم، از عواملی یاد شده است که باعث شده‌اند چپ‌گرایی افغانستانی به افول بگراید.

نویسنده علت شکست جریان چپ را در افغانستان در مشخصه عجزفکری و فقر ساختار ایدئولوژیک هر دو جریان، جزم‌گرایی و استبداد رأی می‌داند؛ یعنی عملکرد هر دو گروه در برابر مخالفین ایدئولوژیک و سیاسی‌شان، به خوبی نشان داد که چگونه روش‌های عقلانی و قواعد برخورد دموکراتیک، قربانی مطلق‌گرایی و منطق زور و خشونت شد که علت اصلی شکست و افول‌شان نیز همین بود.

بر این باور حذف فیزیکی، سرکوب و زندانی کردن مخالفین، از حربه‌های اصلی چپ‌گرایان افغانستان شناخته شده‌اند که سرانجام این جریان را به بن‌بست رساند و باعث سرنگونی چپ‌گرایی در افغانستان شدند.



نام کتاب: فلسفه ابن سینا (محمداسماعیل مبلغ)

تصحیح، ویرایش و مقدمه: علی امیری

ناشر: دانشگاه ابن سینا و بنیاد اندیشه

طرح جلد: حمید فیدل ۱۳۹۲

نوبت چاپ: اول (تابستان ۱۳۹۶)

تیراژ: ۱۵۰۰

چاپ: امیری

قیمت: ۵۰۰ افغانی

کتاب «فلسفه ابن سینا» دومین اثر از مجموعه آثار علامه محمداسماعیل مبلغ، فیلسوف معاصر افغانستان است که به طور مشترک از سوی انتشارات بنیاد اندیشه و دانشگاه ابن سینا با یک «سپاس‌گزاری»، «یادداشت ناشران» و با تصحیح و مقدمه علی امیری، در ۳۷۳ صفحه ترتیب و منتشر شده است. فلسفه ابن سینا، حاوی بیست نوشته از اسماعیل مبلغ است که توسط علی امیری، استاد فلسفه و مطالعات اسلامی دانشگاه ابن سینا، از نشریه‌های قدیمی از جمله مجله ژوندن، گردآوری و تدوین شده است. علی امیری، پیش از این در سال ۱۳۹۲ اثر دیگری از این فیلسوف را با نام «عرفان جامی»، گردآوری و منتشر کرده است. این اثر در باب زندگی، فلسفه و وجوه مختلف تفکر



شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا است. فیلسوفی که به قول گردآورنده بی‌تردید یکی از شگفتی‌های تبار انسانی و به درستی نمونه برجسته انسان جامع قرون وسطایی است که چونان سیمای مرکزی فرهنگ و بهلولان خردگرایی در برهه حساس (و نسبتاً بحرانی) از تاریخ فرهنگ اسلامی در افق حیات عقلانی آن ظاهر می‌شود. از آن پس، تأثیر مستمر ابن سینا، از رهگذر خفا و ظهور سیمای فرهنگی او، در فراز و فرود فرهنگ و تمدن اسلامی همواره محسوس و مشهود است.

این مجموعه به نقل از گردآورنده، مشتمل بر اغلب نوشته‌هایی است که استاد مبلغ در مورد زندگی، افکار و شخصیت ابن سینا نگاشته است و در خلال سال‌های طولانی و در نشریات وقت و اغلب در مجله‌های آریانا و ژوندون و دیگر نشریات و مطبوعات آن زمان کشور نشر کرده است. بعضی از این مقالات، به زندگی و جهات و جوانب شخصی ابن سینا مربوط می‌شود و برخی دیگر مربوط به وجوه گوناگون اندیشه شیخ‌الرئیس است. به همین جهت نوشته‌های گردآمده در این دفتر را دو بخش تنظیم شده است و مشخصات منبع اصلی هر مقاله را جابه‌جا در پاورقی آن آورده شده است.

بخش اول مشتمل بر زندگی، زمانه و تحولات عصر ابن سینا و تأثیرات او بر دیگران و ترجمه آثار و کتاب‌های ایشان به زبان‌های اروپایی و نسبت و مناسبت تفکر او با دیگر رجال علمی اسلامی مانند غزالی و ابن خلدون است. این مجموعه روی هم رفته زیر عنوان «ابن سینا: زندگی، آثار و تأثیرات» در یک بخش گنجانده شده است. بخش دوم نیز به جوانب مختلف تفکر و فلسفه ابن سینا اختصاص دارد.

چهار مقاله نخست «فلسفه چیست؟»، «تعریف و تصنیف فلسفه از نظر افلاطون»، «تعریف فلسفه از نظر ابن سینای بلخی» و «طبقه‌بندی علوم فلسفی» به تعریف و دسته‌بندی می‌پردازد. «علم برین» وجوه مختلف بحث از متافیزیک را مورد بررسی قرار داده است. سه گفتار مفصل «از افلاطون تا ابن سینا»، «اپستمولوژی در فلسفه ابن سینای بلخی» و «پیشگفتاری بر ادراک حسی در فلسفه ابن سینا» مباحث معرفت‌شناسانه است. بدین ترتیب، بخش افکار ابن سینا در این دفتر مشتمل بر تعریف و خاستگاه فلسفه، متافیزیک، معرفت‌شناسی، ادب و هنر و حکمت عملی است. مؤلف این همه را در بخش دوم تحت عنوان «ابن سینا: آرا و اندیشه‌های فلسفی» قرار داده است. همین‌طور مؤلف در ترتیب مقالات، در حد امکان کوشیده است که توالی منطقی را رعایت کند و تاریخ نگارش و نشر ملاک تقدم و تأخر نبوده است.

علامه محمداسماعیل مبلغ باتوجه به آنچه در خبرگزاری اطلس پرس آمده است در سال ۱۳۱۹ در قریه حصار از توابع السوالی بهسود ولایت میدان وردک به دنیا آمد. تحصیلاتش را از مدرسه عالی ابوحنیفه آغاز کرد و به فراگیری ادبیات عرب، فقه و اصول در مدارس سنتی شهر کابل، ادامه داد. کتاب‌های متعارف درسی فلسفه اسلامی را نزد شیخ محمدامین افشار آموخت و از مولوی قربت، متون اصلی بلاغت اسلامی و کلام اهل سنت را فرا گرفت. تحقیقات علامه مبلغ، ژرف و گسترده است و تقریباً بیشتر سنت‌های اسلامی، از تاریخ تا ادبیات و از فلسفه تا معارف دینی و عرفانی را دربرمی‌گیرد؛ اما در این میان، تخصص ویژه او به افکار ابن سینا و تسلط بر میراث عقلی اسلامی در تاریخ دوران جدید افغانستان، منحصر به فرد است. علامه مبلغ در تصفیه‌های خونین سال ۱۳۵۸ در رژیم حفیظ‌الله امین، زندانی و در زندان به شهادت رسید.

محمداسماعیل مبلغ به قول گردآورنده یکی از چهره‌های فرهنگی و فلسفی افغانستان معاصر است که متأسفانه قربانی تمامیت‌خواهی حکومت‌های خودکامه شد. دین او بر نسل معاصر بسیار است؛ اما نشر آثار او، در آشفتگی فرهنگی کنونی، نه از باب ادای دین که از باب احساس نیاز جدی به تجربه رومی‌وی یکی از چهره‌های فرهنگی معاصر با تاریخ، فرهنگ و چهره‌های فرهنگی و تاریخی گذشته ما است.





گویش هزاره‌گی  
نویسنده: دکتر حفیظ شریعتی (سحر)  
ناشر: انتشارات امیری  
صفحه‌آرایی: فرید پویان  
طراح جلد: نعمت‌الله روهان  
نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۵  
قیمت: ۵۰۰ افغانی  
تیراژ: هزار نسخه

گویش هزاره‌گی کتاب است که دکتر حفیظ شریعتی (سحر) براساس نظریه رده‌شناسی در پنج فصل گرد آورده است و نخستین پژوهش و مطالعه زبان‌شناسانه در این گویش است. این کتاب از سوی انتشارات امیری منتشر شده است.

گویش هزاره‌گی از گویش‌های مهم و دیرینه فارسی در افغانستان است. این گویش به سبب مسایل سیاسی و جغرافیایی از دید زبان‌شناسان و پژوهشگران زبان فارسی به دور مانده است. با توجه به ویژگی دستوری و واژگانی این گویش، می‌توان، زمینه جذاب و جالب برای تحلیل و بررسی زبان‌شناسی و ادبی در آن یافت. در مورد این گویش تاکنون تحقیق زیادی صورت نگرفته است. از این رو، این گویش نظام آوایی، زبانی و دستوری خود را حفظ کرده است.

این پژوهش شامل پنج بخش است که دارای کلیات و مسایل تاریخی و هزاره‌شناسی، صرف و نحو، واج‌شناسی، واژه‌شناسی و معناگذاری آن و نتیجه‌گیری است که در بیش‌تر مباحث آن، مقایسه‌هایی نیز بین ویژگی‌های گویش هزاره‌گی (مانند چگونگی ساخت فعل یا ترتیب واژه‌ها در جمله) و زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایران باستان به ویژه متن‌های کهن زبان فارسی انجام شده است و از این رهیافت، توصیفی از گویش هزاره‌گی ارائه شده است. این پژوهش مجموعه‌ای است که به قصد فراهم آوردن داده‌های واحد و نظام‌مند برای محققان زبان‌شناسی نظری و پژوهش‌گران گویش‌شناسی تدوین شده است و با این هدف برای آن دستور نوشته شده است.

ویژگی مهم این کتاب، دستور توصیفی است که در محدوده مطالعات هم‌زمانی به توصیف گویش هزاره‌گی پرداخته است و در چارچوب بررسی هم‌زمانی، زبان محاوره‌ای گویش هزاره‌گی افراد غیر تحصیل کرده انتخاب و توصیف شده است. نکته‌های بدیع، ساختار، هدف خاص تحقیقی و مباحث جدید پژوهش می‌توانند برای پژوهش‌گران سودمند باشند که بخشی از آن بر پایه رویکرد نظریه زایشی و دستور زبان امروز فارسی شکل گرفته‌اند. در این پژوهش در فصل نخست کلیات و مسایل تاریخی و هزاره‌شناسی و سپس ویژگی‌های کلی گویش هزاره‌گی به بررسی گرفته می‌شود.

در فصل دوم به مباحث ساختاری و نحوی گویش پرداخته می‌شود. در ادامه این فصل مباحثی هم‌چون همپاگی، منفی‌سازی، ضمیرگذاری، ضمیر انعکاسی و متقابل مطرح می‌شود. سپس در این فصل ساخت‌های تفصیلی، ساخت‌های همسان، مالکیت، ساخت تأکیدی، برجسته‌سازی، جابه‌جایی و انواع جمله کوتاه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آخرین بخش از فصل دوم، طبقات دستوری در گویش هزاره‌گی معرفی می‌شود.

در فصل سوم، صرف در گویش هزاره‌گی بررسی شده است. این فصل به دو بخش اصلی صرف تصریفی و صرف اشتقاقی تقسیم می‌شود و شیوه‌ها و نشانه‌های مختلف صرف در گویش هزاره‌گی در این دو بخش به تفصیل بیان شده‌اند. در بخش اول از این فصل تصریف مقولات مختلف مانند اسم، ضمیر، فعل، صفت، حروف اضافه، عدد و سور و قید مدنظر قرار گرفته‌اند. در بخش دوم نیز اشتقاق اسم، فعل، صفت، قید و حروف اضافه معرفی شده‌اند. در پایان این فصل نیز به بحث ترکیب پرداخته شده است.

فصل چهارم با عنوان واج‌شناسی به حوزه نظام آوایی گویش هزاره‌گی پرداخته است و از این ره‌گذر موضوعاتی هم‌چون واحدهای واجی، واج‌آرایی، ویژگی‌های زبرنجیری و قواعد واژ واجی مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل ذیل عنوان واحدهای واجی، ویژگی‌های آوایی گویش هزاره‌گی و برخی محدودیت‌های آوایی مطرح گردیده‌اند. بخش واج‌آرایی به چگونگی توزیع هم‌خوان‌ها و واکه‌ها و خوشه‌های هم‌خوانی ممکن در گویش هزاره‌گی پرداخته‌اند. عمده‌ترین مباحث مطرح شده ذیل عنوان ویژگی‌های زبرنجیری بحث کشش، تکبیه، نواخت و آهنگ است. قواعد واژ واجی نیز در دو قسمت مجزا با عناوین قواعد زنجیره‌ای واژ واجی و قواعد زبرنجیری واژ واجی مطرح شده است. در پایان فصل اندیش‌آوا و صوت در گویش هزاره‌گی توصیف شده است.

در فصل پنجم واژگان گویش هزاره‌گی بررسی شده‌اند. فصل واژگان به حوزه‌های ساختاری معنی می‌پردازد و در پایان این فصل نیز به اصطلاح‌شناسی پایه گویش هزاره‌گی اشاره شده است. در پایان پژوهش نیز به نتیجه‌گیری و منابع و مآخذ پژوهش پرداخته شده است.